مختصر عقاید

تألیف

محمد ابراهیم تیموری

چاپ سوم

صفر ۱۴۴۸ هجری قمری

اسد ۱۴۰۵ هجری شمسی موافق آگوست ۲۰۲۶ میلادی

متن آمادهٔ چاپ کتاب را می‌توانید از نشانی‌های ذیل به دست آورید:

جدیدترین PDF کتاب را می‌توانید با نشان انترنتی (email) ذیل تماس بگیرید:

miteymori@gmail.com

یا از نشانی زیر از برنامهٔ تلگرام اخذ کنید:

https://t.me/RaaheFalaah

و یا با شمارهٔ ذیل در تلفون یا واتس‌اپ و یا تلگرام در تماس شوید:

۰۰۴۴۷۷۷۶۰۰۳۱۳۷

و یا با شمارهٔ تلفونی ذیل در کابل تماس بگیرید:

امیر محمد: ۰۷۰۰۲۴۳۵۰۱

بسم الله الرحمن الرحیم

مختصر عقاید

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَكَفٰى وَالصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ عَلٰى رَسُولِ اللّٰهِ وَأَصْحَابِهِ. اَمَّا بَعْدُ!

معنای اسلام

معنای اصلی کلمهٔ اسلام، خود را بکسی سپردن و به طور کامل تابع فرمان او شدن است؛ و دینی که الله تَبَارَكَ وَتَعَالىٰ آن را توسط پیامبران خود فرستاده است به این جهت اسلام نامیده می‌شود که بنده در آن، خود را بطور کامل به مولای خود می‌سپارد و اطاعت مُکَمَّل او را اصول زندگی خود می‌سازد و همین سپردنِ کاملِ خود به خداوند و اطاعت مُکَمَّل او را اصول حیات خود ساختن، اصلِ حقیقت اسلام می‌باشد و

همین حقیقت از ما مطالبه شده است. چنانکه قرآن مجید می‌فرماید:

﴿فَإِلٰهُكُمْ إِلٰهٌ وَاحِدٌ فَلَهُ أَسْلِمُوا﴾ (سورهٔ حج: ۳۴)

خدای شما یگانه خداست، پس مُسْلِم یعنی مُطیع او باشید.

و دربارهٔ همین اسلام فرموده شده است:

﴿وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلّٰهِ﴾ (سورهٔ نساء: ۱۲۵)

یعنی چه کسی بهتر از آن شخص است که خود را سپردِ خداوند کرد و بندهٔ مُسْلِم او گشت.

و دربارهٔ همین اسلام قرآن مجید اعلان فرموده است که:

﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ (سورهٔ آل عمران: ۸۵)

یعنی هر کسی غیر از اسلام، دین دیگری بخواهد اختیار کند، هرگز از او پذیرفته نخواهد شد و او سخت از خُسران کنندگان خواهد بود.

به هرحال اصل روح و حقیقت اسلام این است که بنده خود را به طور کامل به الله تَبَارَكَ وَتَعَالىٰ بسپارد و در هر امر مُطیع فرمان او باشد.

و باز باید دانست که این اسلام در شرایع پیغمبران خدا عَلَيْهِمُ السَّلَام چند ارکان مخصوص دارد که مِنْ حیث پیکر محسوس حقیقت اسلام می‌باشد و این حقیقت اسلام از همان ارکان نشو و نما و تازگی می‌یابد. این ارکان امور تَعَبُّدِی محض استند و توسط همین ارکان است که میان آنانی که اسلام را اصول حیات خویش ساخته‌اند و میان کسانی

که آن را دستور زندگی خویش نگردانیده اند به نظر ظاهر تفریق و امتیاز می‌توان کرد.

در آخرین وکامل‌ترین اصول اسلام که توسط خاتمُ‌الانبیاء حضرت محمد مصطفی صَلَّی اللهُ‌عَلَیْهِ‌وَسَلَّم از طرف الله تَبَارَكَ وَتَعَالیٰ نزد ما آمده است پنج چیز ارکان اسلام قرار داده شده است: یکی گواهی دادن به توحید خداوندی و رسالت محمدی، دوم نماز، سوم زکات، چهارم روزه و پنجم حج بیت الله.

چنانکه در حدیث شریف وارد است که:

عَنْ ابْنِ عُمَرَ رضی الله عنهما: قَالَ رَسُولُ‌الله صَلَّی اللهُ‌عَلَیْهِ‌وَسَلَّم: بُنِیَ الإِسْلامُ عَلَی خَمْسٍ: شَهَادَةُ أَنْ لا إلهَ إِلَّا الله وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ الله، وَإِقَامِ الصَّلاةِ، وَإِیتَاءِ الزَّكَاةِ، وَالحَجِّ، وَصَومِ رَمَضَانَ. (رواه البخاری ومُسْلم)

یعنی رسول‌الله صَلَّی اللهُ‌عَلَیْهِ‌وَسَلَّم فرمودند که اسلام بر پنج چیز بنا یافته است: اول گواهی به اینکه هیچ خدا و معبودی بجز الله نیست و همچنین محمد صَلَّی اللهُ‌عَلَیْهِ‌وَسَلَّم بنده و رسول اوست. دوم اقامت نماز، سوم ادای زکات، چهارم حج و پنجم روزهٔ ماه رمضان.

معنای ایمان

معنای لغوی ایمان، با اعتماد و اعتبار بر کسی، راست دانستن و پذیرفتن خبری است که او می‌دهد. و در اصطلاح خاص دین، حقیقت ایمان این است که هرآنچه که پیغمبر خدا دربارهٔ اشیائی که از حدود حواس و آلات ادراک ما بیرون باشد به ما بیان کند و هر آنچه علم و هدایت که از جانب الله تَبَارَكَ وَتَعَالىٰ نزد ما بیاورد، ما همهٔ آن‌ها را راست بدانیم و او را تصدیق کنیم و آن‌ها را حق دانسته قبول نمائیم.

به هرحال، اصولاً ایمان شرعی مرتبط امور غیب می‌باشد که ما نمی‌توانیم آن‌ها را توسط آلات احساس و ادراك خود یعنی چشم و گوش و دست و غیره... درک کنیم.

برای مثال ذات و صفات الله تَبَارَكَ وَتَعَالىٰ و احکام او و رسالت پیغمبران و نزول وحی بر ایشان و فرمودات ایشان دربارهٔ برزخ و قیامت وبهشت و دوزخ و حساب و صراط و غیره که از امور غیب هستند و ما قادر نیستیم آن‌ها را احساس و ادراک کنیم.

پس در اصطلاح شریعت، با اعتماد و اعتبار به راستی و صداقت پیغمبر و فرستادهٔ خدا حق دانستن و قبول نمودن هرچه که او در مورد

چنین اموری بیان کند، ایمان است. و نپذیرفتن یکی از این نوع سخنان و گفته‌های پیغمبر یا حق ندانستن آن تکذیب آن امر غیبی است که اینکار انسان را از دایرۀ ایمان خارج ساخته او را داخل کفر می‌گرداند.

پس برای مؤمن بودن یک شخص لازم است که او کُلُّ مَا جَاءَ بِهِ الرَّسُولُ مِنْ عِنْدِ الله، یعنی هر چیزی که پیغمبر خدا بیاورد، همۀ آنها را از جانب الله و حق دانسته تصدیق و قبول کند.

امّا دانستن تمام تفصیلات آنچه که رسول خدا آن را از جانب الله تَبَارَكَ وَتَعَالىٰ آورده است ضروری نیست، بلکه برای نَفْس ایمان، همین قدر کافی است که مومن تصدیق کند و قبول نماید که هرچه رسول خدا از جانب خدا آورده است حق می‌باشد.

البته بعضی امور خاص و اهم و بنیادی هستند که انسان جهت ورود به دایرۀ ایمانی لازم است آن‌ها را بطور مُعَیَّن تصدیق کند. چنانکه قرآن کریم نیز آن‌ها را متعین گردانیده است:

﴿آمَنَ الرَّسُولُ بِما أُنزِلَ إِلَيْهِ مِن رَّبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ ۚ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ﴾ (سورۀ بقره: آیۀ ۲۸۵)

یعنی آنچه هدایات و تعالیم که بر پیغمبر نازل شد، هم پیغمبر و هم مؤمنان بر آن ایمان دارند (یعنی) بر الله و بر فرشتگان او و بر کتاب های او و بر پیغمبران او.

﴿وَمَن يَكْفُرْ بِاللّهِ وَمَلائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلالاً بَعِيداً﴾ (سورۀ نِساء: آیۀ ۱۳۶)

یعنی هر کسی به الله و به فرشتگان او و کتاب‌های او و پیغمبران او و به روز آخرت کفر بورزد و به آنها ایمان نیاورد، واقعاً که بسیار گمراه شده است و در گمراهی بسیار دور افتاده است.

﴿وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَّرَهُ تَقْدِيرًا﴾(سورۀ فرقان: آیۀ ۲)

یعنی الله تَبَارَكَ وَتَعَالىٰ هر چیزی را خلق کرد و آنگاه در اندازه‌ای مُقَرَّر نمود.

امور مذکوره در احادیث شریف خصوصاً در حدیث مشهور جبرئیل نیز متعین گردیده است:

«فَأَخْبِرْنِي عَنِ الْإِيمَانِ؟ قَالَ: أَنْ تُؤْمِنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ وَتُؤْمِنَ بِالْقَدَرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ».

یعنی سائل پرسید مرا از ایمان آگاه بگردان که ایمان چیست؟ رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّم در جواب فرمودند: ایمان این است که الله و ملائکۀ او و کتاب‌های او و پیغمبران او و روز آخرت را حق بدانی و به آنها یقین نمائی، و همچنین به تقدیر، به خیر آن و به شر آن، یقین داشته باشی و آن را حق بپذیری.

(رواه مُسْلِم في كتاب الإيمان)

ایمان به الله تعالی

مراد از ایمان آوردن به الله تَبَارَكَ وَتَعَالیٰ اینست که انسان به وجود او ﷻ یقین کامل بدارد و او را به هر صفت کمال مُتَّصف و از هر صفت عیب و نقص مُنَزَّه بداند. بعضی از صفات او ﷻ حسب ذیل است.

یکتائی الله تَبَارَكَ وَتَعَالیٰ:

قرآن کریم می‌فرماید:

﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾(سورۀ اخلاص).

بگو ای پیغمبر که الله یکتا و اَحَد است. یعنی الله تَبَارَكَ وَتَعَالیٰ در خدائی و پروردگاری و تخلیق کاینات و تدبیر نظام جهان و غیره هر کمال دیگر یکتا و یگانه است و هیچ شریکی ندارد. لَا شَرِيْکَ لَهُ.

حیات خداوند:

قرآن کریم می‌فرماید:

﴿هُوَ الْحَیُّ الْقَيُّومُ﴾. (آیة الکرسی)

یعنی الله زندۀ پاینده است.

حیات از صفات ازلی خداوند است و مراد این است که الله تَبَارَكَ وَتَعَالیٰ از همیشه زنده بوده و همیشه زنده خواهد بود، و هرگز هیچ گاهی مرگ و نیستی بر او طاری نخواهد شد.

الله تَبَارَكَ وَتَعَالیٰ برای زندگی مانند ما مخلوقات محتاج تغذیه و تنفس و حرکت و غیره نیست، زیرا اینها صفات مخلوقات می‌باشد و صفات مخلوقات همه ناقص‌اند و خداوند ﷻ از هر صفت نقص پاک و مُبَرَّاست.

قدرت خداوند:

قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾(سورۀ حدید: آیۀ ۲)

یعنی الله تَبَارَكَ وَتَعَالیٰ بر هر چیزی و هر کاری قادر است.

و از نشانه‌های قدرت خداوندی همین بس که آسمان‌ها و زمین و ستارگان و انسان‌ها و جِنَّات و حیوانات و میلیاردها نوع مخلوق دیگر را آفریده است.

علم الله تَبَارَكَ وَتَعَالیٰ:

قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ (سورۀ حدید: آیۀ ۳)

یعنی الله تَبَارَكَ وَتَعَالیٰ بر هر چیزی عالِم است.

علم خداوند ﷻ بر همهٔ اشیاء احاطه دارد و هیچ چیزی و امری نیست که از احاطهٔ علم او بیرون باشد. چنانکه قرآن مجید می‌فرماید:

﴿وَ أَنَّ اللهَ قَدْ أَحاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا﴾ (سورهٔ طلاق: آیهٔ ۱۲)

یعنی علم خداوند بر همه چیز محیط است.

الله تَبَارَكَ وَتَعَالیٰ به آشکار و پنهان آگاه است:

﴿إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَىٰ﴾ (سورهٔ أعلی: آیهٔ ۷)

یعنی خداوند به آشکار و نهان عالِم است.

او تَبَارَكَ وَتَعَالیٰ حتی از درون دل‌ها مطلع و آگاه می‌باشد:

﴿إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾ (سورهٔ ملک: آیهٔ۱۳)

یعنی بی‌شک خداوند از آنچه که در درون دلهاست آگاه وباخبر است.

اراده و مشیت خداوند:

قرآن کریم می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ﴾(سورهٔ حج: آیهٔ ۱۴)

یعنی الله تَبَارَكَ وَتَعَالیٰ هرچه را اراده می‌فرماید آن را انجام می دهد.

و جای دیگر قرآن می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ﴾ (سورهٔ حج: آیهٔ ۱۸)

یعنی خداوند هرچه می‌خواهد آن را انجام می‌دهد.

اراده و مشیت خداوندی دو صفت ازلی او تعالی می‌باشد و در عالَم کائنات هیچ چیزی و هیچ امری بدون اراده و مشیت او تَعَالیٰ رو نمی‌دهد و اتفاق نمی‌اُفتد.

کلام الله تَبَارَكَ وَتَعَالَى:

قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسىٰ تَكْلِيمًا﴾ (سورۀ نساء: ۱۶۴)

یعنی خداوند با موسی کلام کرد.

کلام صفت ازلی خداوند است ولی مشابه کلام انسان‌ها و غیره نیست، زیرا انسان‌ها و مخلوقات توسط حروف و اصوات کلام می‌کنند بلکه کلام خداوند بلا کیف یعنی بدون حروف و اصوات و غیره است که ما از درک چگونگی آن عاجز می‌باشیم.

سَمع و بَصر خداوند:

قرآن کریم می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ﴾ (سورۀ مجادله: آیۀ ۱)

یعنی الله تَبَارَكَ وَتَعَالیٰ شنوا و بیناست.

سمع و بصر یعنی شنوائی و بینائی الله تَبَارَكَ وَتَعَالیٰ دو صفت ازلی او ﷻ بوده بلاکَیْف می‌باشند. هرچه مخلوقات می‌شنوند با گوش و آلات آن می‌شنوند و هرچه می‌بینند با چشم و آلات مربوط آن می

بینند. اما خداوند بزرگ از داشتن چنین صفات جسمانی مُنَزَّه است او ﷻ می‌شنود، اما ما چگونگی آن را نمی‌دانیم؛ و می‌بیند، اما ما از دانستن کیفیت آن عاجزیم. ولی به هر دوی این صفات ایمان داریم.

سمع و بصر او ﷻ همهٔ اشیاء را احاطه دارد و الله تَبَارَكَ وَتَعَالىٰ همه چیزها را از قبیل هرآنچه که انجام می‌دهیم و حتّی هرآنچه که می اندیشیم و هرآنچه که در قلوب مان می‌گذرد و هرآنچه در خیال مان خطور می‌کند، می‌بیند و می‌شنود.

زندگی دادن و میراندن:

قرآن کریم می‌فرماید:

﴿يُحْيِي وَيُمِيتُ﴾ (سورهٔ حدید: آیهٔ ۲)

یعنی خداوند هم زندگی می‌بخشد و هم می‌میراند.

زندگی و مرگ در ید خداست و او ﷻ زندگی و مرگ را به آن جهت خلق نموده است تا بنگرد چه کسی عمل صالح می‌کند و چه کسی سرکشی و معصیت می‌نماید:

﴿الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾ (سورهٔ ملک: آیهٔ ۲)

یعنی خداوند مرگ و زندگی را به آن جهت خلق کرد تا شما را امتحان کند که کدام یک از شما عمل نیکوتر می‌کند.

رزق دادن:

قرآن کریم می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ﴾ (سورۀ ذاریات: آیۀ ۵۸)

یعنی الله تَبَارَكَ وَتَعَالیٰ روزی دهندۀ همگان است.

بی‌مانندی الله تَبَارَكَ وَتَعَالیٰ

قرآن کریم می‌فرماید:

﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ﴾(سورۀ شوری: آیۀ ۱۱)

یعنی هیچ چیزی مانند الله نیست.

مراد این است که هیچ مخلوقی در الوهیت و ربوبیت (خدائی و پروردگاری) و توحید و حیات و قدرت و علم و تخلیق و تدبیر و غیره کمالات مانند الله تَبَارَكَ وَتَعَالیٰ نمی‌باشد.

همچنین الله تَبَارَكَ وَتَعَالیٰ به هیچ مخلوقی شباهت ندارد. او تَعَالیٰ نه جسم است و نه شکل و صورت و اندامی دارد. اینها همه صفات اجسام هستند و الله تَبَارَكَ وَتَعَالیٰ از صفات اجسام و جسمانی مُنَزَّه است.

ایمان به فرشتگان

مراد از ایمان به ملائکه یعنی فرشتگان، این است که انسان تصدیق نموده و حق بداند که فرشتگان نوعی از مخلوقات الله تَبَارَكَ وَتَعَالىٰ اند که پاکیزه و معصوم و محترم می‌باشند، چنانکه در قرآن کریم وارد است:

﴿بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ﴾(سورۀ أنبياء: آیۀ ۲۶)

یعنی فرشتگان بندگان گرامی و مُکَرَّم خداوند اند.

وظیفۀ آنها فقط اطاعت و عبادت الله تَبَارَكَ وَتَعَالىٰ است، و در احکام خداوند هیچ‌گاه سرکشی و نافرمانی نمی‌کنند، زیرا مادۀ شر و شرارت و عصیان و بغاوت در آنها اصلاً وجود ندارد. قرآن کریم می فرماید:

﴿لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ﴾(تحریم: آیۀ ۶)

یعنی فرشتگان در احکام خداوند نافرمانی نمی‌کنند بلکه هر آنچه به ایشان امر می‌شود آن را انجام می‌دهند.

فرشتگان به صفت ذکورت و اُنوثت مُتَّصف نیستند. ایشان وظایف خاصی دارند که آنها را به خوبی انجام می‌هند.

از میان فرشتگان چهار تن ایشان افضل و برتر از دیگران اند:

یکی از آنها حضرت جبرئیل علیه‌السلام است که مامور رساندن وحی به انبیاء و پیغمبران می‌باشد و دوم حضرت میکائیل علیه‌السلام است که مُؤظَّف رساندن رزق و روزی به مخلوقات است. سوم حضرت عزرائیل علیه‌السلام که مامور قبض روح مخلوقات می‌باشد و چهارم حضرت اسرافیل علیه‌السلام که وظیفهٔ نفخ صور در هنگام قیامت و حشر را به عهده دارد.

ایمان به کتاب های خدا

مراد از ایمان به کتاب‌های خدا این است که انسان یقین نماید که الله تَبَارَكَ وَتَعَالىٰ در هر عصر و زمان توسط پیغمبران خود، هدایت‌نامه هائی برای انسان‌ها نازل فرمود تا برآن عمل کنند و مستحق نجات و فلاح شوند.

گرچه تعداد صحیح کتاب‌های خداوند معلوم نیست ولی در قرآن عظیم اسامی چهار کتاب وارد است:

﴿وَأَنزَلَ التَّوْرَاةَ وَالْإِنجِيلَ، مِن قَبْلُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَأَنزَلَ الْفُرْقَانَ﴾

(سورۀ آل عمران: آیۀ ۳ و ۴)

یعنی الله تَبَارَكَ وَتَعَالیٰ تورات و انجیل را قبلاً نازل نموده بود تا برای مردمان هدایت باشد و اینک قرآن را نازل فرمود که نمایانگر حق و باطل است.

﴿وَآتَيْنَا دَاوُودَ زَبُورًا﴾ (سورۀ نساء: آیۀ ۱۶۳)

یعنی ما به داود زبور را دادیم.

پس مطابق آیات بالا کتاب‌های الهی به این ترتیب نازل گردیده است:

اول تورات که بر حضرت موسی علیه‌السلام نازل شد.

دوم زبور که بر حضرت داود علیه‌السلام نازل گردید.

سوم انجیل که بر حضرت عیسی علیه‌السلام نازل شده است.

چهارم قرآن مجید که بر خاتم‌الانبیاء محمد مصطفی صَلَّی‌اللهُ عَلَیْهِ‌وَسَلَّم نازل شد.

علاوه بر اینها ذکر چند صحیفه بر حضرت ابراهیم و موسیٰ عَلَیْهِمَا السَّلام نیز در قرآن مجید موجود است:

﴿صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ﴾ (سورۀ اعلی: آیۀ ۱۹)

تورات و زبور و انجیل شریف اکنون از بین رفته‌اند و آنچه که یهودیان و مسیحیان آن را تورات و زبور و انجیل می‌خوانند مجموعه‌هائی از تاریخ بنی‌اسرائیل آنهم راست و دروغ می‌باشد. همچنین تحریف‌ها، اسقاط و اضافات فراوانی در آنها رخ داده است.

بعد از کتاب‌های مذکوره، الله تَبَارَكَ وَتَعَالیٰ آخرین کتاب خود قرآن مجید را بر حضرت سرور کائنات محمد مصطفی صَلَّی‌اللهُ‌عَلَیْهِ وَسَلَّم نازل نمود که مُصَدِّق و مُهَیْمِن تمامی کتاب‌های الهی ماقبل خود است، یعنی آن تعالیم و دستورات و رهنمائی های آن کتاب‌ها که تبلیغ و آموزش آنها در همه أدوار و أعصار لازم و ضروری بود، همهٔ آن تعالیم و دستورات در قرآن مجید آورده شد. و به این گونه قرآن مجید نه فقط آخرین کتاب الهی، بلکه حاوی جملگی مضامین ضروری کتاب‌های سَمَاوی قبلی بوده و انسان را از آنها مُستغنی می‌سازد.

و چونکه کتاب‌های قبلی امروز محفوظ نمانده‌اند، بنابرین اکنون فقط همین کتاب تنها هدایت‌نامهٔ الهی می‌باشد که جانشین و مُکَمَّل تر از تمام کتابهای قبلی است و به همین جهت الله تَبَارَكَ وَتَعَالیٰ حفاظت آن را به عهده خود گرفته است، چنانکه می‌فرماید:

﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ (سورهٔ حجر: آیهٔ ۹).

یعنی ما خود این قرآن را نازل کرده‌ایم و ما خود آن را حفاظت می‌کنیم.

و از همین جهت است که کتاب کریم لفظ به لفظ و آیت به آیت همانگونه که بر رسول خدا صَلَّی‌اللهُ‌عَلَیْهِ‌وَسَلَّم نازل گردید درست به همان شکل و صورت امروز در دست ما قرار دارد و یک لفظ و واژه و یا حتّی یک زیر و زبری از آن کم و زیاد یا تحریف نشده است.

و بر همین مبناست که هر کسی به قدر یک آیت یا حتّی یک لفظ

اگر معتقدِ تحریف و کمی و زیادی در قرآن باشد، آن شخص به اجماع اُمت از دائرۀ ایمان و اسلام خارج و از زمرۀ کافران می‌باشد.

ایمان به پیغمبران خدا

معنای ایمان به پیغمبران این است که انسان یقین و تصدیق کند که الله تَبَارَكَ وَتَعَالیٰ در هر عصر و زمان و هر منطقه و مُلْک، بخاطر هدایت و راهنمائی بندگان خود وقتاً فوقتاً بندگان برگزیدۀ خود را همراه با پیام هدایت و رضای خود فرستاده وآن بندگان برگزیده با امانت و دیانت کامل، پیغام خداوندی را به خلایق رسانیدند و با جدّ و جهد بسیار مردمان را به سوی راه راست دعوت و راهنمائی نمودند.

اینها همه پیغمبران و عِباد برگزیده و صادق خدا بودند.

﴿رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ﴾(سورۀ نساء: آیۀ ۱۶۵)

یعنی ما پیغمبران را فرستادیم تا کسانی که را که ایمان می‌آورند بشارت بدهند وکسانی را که کفر و شرک می‌ورزند بترسانند، تا در

قیامت مردم بر الله بعد از فرستادن پیغمبران، الزامی نداشته باشند.

اسامی و احوال مختصر برخی از این پیغمبران در قرآن مجید وارد است و اسامی و احوال بسیاری دیگر از ایشان در قرآن مجید ذکر نگردیده است، چنانکه قرآن می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ مِنْهُم مَّن قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَمِنْهُم مَّن لَّمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ﴾ (سورۀ غافر: آیۀ ۷۸)

یعنی ما پیغمبرانی را قبل از تو فرستاده‌ایم که احوال ایشان را قبلاً به تو بیان کرده بودیم و همچنین پیغمبرانی را فرستاده‌ایم که احوال ایشان را به تو بیان ننموده‌ایم.

همۀ پیغمبران خدا معصوم بودند و هیچ‌گاه گناهی مرتکب نشده اند و هرگز در رساندن وحی و پیغام الهی کوتاهی نکرده‌اند. الله تَبَارَكَ وَتَعَالیٰ به عده‌ای از ایشان معجزاتی نیز عطا فرموده بود. اکرام و احترام و تعظیم همۀ پیغمبران از شرایط ایمان است و تکذیب و توهین ایشان کفر می‌باشد.

این نیز از شرایط اهم ایمان است که انسان یقین داشته باشد که الله تَبَارَكَ وَتَعَالیٰ سلسلۀ نبوت و رسالت (پیغمبری) را با بعثت حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّم خاتمه داد و حضرت محمد مصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّم خاتمُ الانبیاء و آخرین پیغمبر و رسول خدا می‌باشد و اکنون تا قیامت هیچ نبی و پیغمبر دیگری مبعوث نخواهد شد؛ و هر کسی ادعای نبوَّت و پیغمبری کند، کذاب است، چنانکه قرآن تصریح

می‌کند:

﴿مَّا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَٰكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ﴾(سورۀ احزاب: آیۀ ۴۰)

یعنی حضرت محمد صَلَّی‌اللهُ‌عَلَیْهِ‌وَسَلَّم، رسول خدا و خاتم پیغمبران است.

اکنون فلاح و نجات تمامی انسان‌ها وابسته به اتباع آنحضرت و پیروی از هدایات و ارشادات آنحضرت صَلَّی‌اللهُ‌عَلَیْهِ‌وَسَلَّم می‌باشد، چنانکه قرآن می‌فرماید:

﴿وَمَن يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِم مِّنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ ۚ وَحَسُنَ أُولَٰئِكَ رَفِيقًا﴾(سورۀ نساء: آیۀ ۷۰)

هر کسی که از الله و رسولش (محمد صَلَّی‌اللهُ‌عَلَیْهِ‌وَسَلَّم) اطاعت کند، او در آخرت با آنانی خواهد بود که خداوند بر ایشان انعام فرموده است، یعنی انبیاء و صدیقین و شهداء و صالحین؛ و اینها چه دوستانی نیک می‌باشند.

و قرآن عظیم دربارۀ کسانی که از قبول اطاعت و اتباع آنحضرت صَلَّی‌اللهُ‌عَلَیْهِ‌وَسَلَّم انکار می‌کنند می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا ۚ أُولَٰئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ﴾ (سورۀ بیّنه: آیۀ ٦)

یعنی آن یهودیان و مسیحیان و مشرکانی که از قبول اطاعت و

اتباع (حضرت محمد صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَسَلَّم) انکار می‌ورزند، برای ابد در آتش دوزخ خواهند بود و آنها بدترین خلایق می‌باشند.

ایمان به تقدیر

ایمان به تقدیر این است که انسان یقین داشته باشد که هر چیزی که در این جهان پیش می‌آید و هر واقعه‌ای که اتفاق می‌افتد، چه خیر و چه شر، همه به حکم و مشیت الله تَبَارَكَ وَتَعَالیٰ می‌باشد که بر آنها از ازل علم داشت و مطابق علم خود وقوع آنها را مُقَرَّر فرموده بود و همه اشیاء مطابق همان تقدیر ازلی رو می‌دهند و اتفاق می‌افتند؛ و ناممکن است که خلاف آنچه خداوند مُقَرَّر نموده است امری رخ بدهد.

قرآن مجید می‌فرماید:

﴿قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا﴾ (سورۀ طلاق: آیۀ ۳)

خداوند برای هر چیزی اندازه‌ای مقرر فرموده است.

البته باید در نظر داشت که مراد از تقدیر این نیست که الله تَبَارَكَ وَتَعَالیٰ انسان‌ها را به انجام عملی مجبور می‌سازد و سپس با وجود

جبر بر او، او را جزا یا سزا می‌دهد، نه، بلکه مراد از تقدیر این است که الله تَبَارَكَ وَتَعَالیٰ از روز ازل، قبل از آنکه انسان‌ها و سایر مخلوقات را بیافریند بر انسان‌ها و اعمال آنها عالِم بود و می‌دانست که فلان شخص بعد از آفرینش خود چنین و چنان کار و عملی را به اراده و اختیار خود انجام خواهد داد. پس در همان ازل مُقَرَّر فرمود که آن شخص به اراده و اختیار خود چنین عملی را مرتکب می‌شود و در نتیجهٔ عمل خود چنین سزا یا جزا می‌بیند.

همین تقدیر است و بنابر این انسان در اعمال خود مجبور محض نیست بلکه مختار است که یا نیکی را اختیار کند و یا بدی را برگزیند.

و همچنین باید در نظر داشت که انسان‌ها بخاطر وجود همین اختیار و اراده مُکَلَّف به ایمان و اسلام و احکام شریعت مُطَهَّرَه می‌باشند و اگر آنها اختیار و اراده نمی‌داشتند به مانند مَجَّانین مُکَلَّف به دین نمی بودند.

ایمان به آخرت

مراد از ایمان به آخرت این است که انسان این حقیقت را تصدیق

ویقین کند که الله تَبَارَكَ وَتَعَالیٰ روزی این نظام کاینات و جهانِ هستی را سراسر از بین خواهد برد و فنا خواهد ساخت. سپس در زمانی دیگر همۀ مردگان را دوباره زنده خواهد گرداند و اعمال هر کسی را محاسبه نموده مطابق آن او را یا جزای نیک خواهد داد و یا سزای بد.

برای دانستن مراحل آخرت، تفصیل ذیل مناسب می‌باشد.

دنیا:

الله تَبَارَكَ وَتَعَالیٰ انسان‌ها را در این جهان بخاطر آزمایش و امتحان آفریده است و برای هر یک ایشان مدت‌زمانی جهت زندگی و اَجَلی برای موت مُقَرَّر گردانیده است:

﴿الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾(سورۀ ملک: آیۀ ۲)

یعنی خداوند مرگ و زندگی را آفریده است تا شما را امتحان کند که کدام یک از شما نیکوکارتر است. و نیز قرآن می‌فرماید:

﴿لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ﴾ (سورۀ رعد: آیۀ ۳۸)

یعنی هر چیزی اَجَلی مُقَرَّر دارد.

برزخ:

هنگامی که انسان می‌میرد روح وی به عالَم برزخ یعنی عالَم قبر می‌رود که جهانی در بین دنیای کنونی و عالَم آخرت است و در آنجا

مطابق اعمال خود یا نعمت‌ها و راحت‌های فراوان می‌بیند و یا دردها و عذاب‌های شدید می‌چشد. قرآن مجید دربارهٔ ورود مومنان صالح به عالَم برزخ می‌فرماید:

﴿الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمُ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ (سورهٔ نحل: آیهٔ ۳۲)

یعنی کسانی‌که فرشتگان روح ایشان را در حالت پاکیزگی از کفر و شرک قبض می‌کنند، فرشتگان به ایشان می‌گویند که سلامتی باد بر شما، در عوض اعمالی که انجام داده‌اید (در آخرت) به بهشت داخل شوید.

و در مورد ورود کافران در برزخ، قرآن مجید می‌فرماید:

﴿فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ﴾ (سورهٔ محمد: آیهٔ ۲۷)

یعنی کافران در آن هنگام چه حالی خواهند داشت که فرشتگان ارواح آنها را قبض نموده به روی و پشت آنها می‌زنند.

قیامت:

سرانجام روزی که فقط الله تَبَارَكَ وَتَعَالىٰ از آن آگاه است، مدت مُقَرَّرَهٔ حیات این جهان به پایان می‌رسد و قیامت برپا می‌شود.

﴿إِنَّ السَّاعَةَ لَآتِيَةٌ لَّا رَيْبَ فِيهَا﴾ (سورهٔ غافر: آیهٔ ۵۹)

یعنی قیامت یقیناً آمدنی است و شکی در آن نیست.

در روز قیامت همه انسان‌ها و همه مخلوقات تباه و فنا می گردند، نه انسانی زنده می‌ماند و نه حیوانی، نه زمینی می‌ماند و نه آسمانی، نه ستاره‌ای می‌ماند و نه کهکشانی، بلکه هر چیزی که خداوند تَبَارَكَ وَ تَعَالیٰ خلق فرموده بود همگی نابود می‌شود و هیچ چیزی و هیچ کسی بجز الله باقی نمی‌ماند.

حشر:

سپس الله تَبَارَكَ وَتَعَالیٰ هر زمانی که اراده فرمود، همه را دوباره حشر خواهد نمود، یعنی تمامی مخلوقات و انسان‌ها و جِنَّات را از اولین تا آخرین دوباره زنده خواهند گرداند.

﴿وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ﴾(سورۀ حج: آیۀ ۷)

یعنی بی‌شک خداوند مردگان را دوباره زنده خواهد گرداند.

﴿ثُمَّ إِنَّكُم يَوْمَ الْقِيٰمَةِ تُبْعَثُونَ﴾ (سورۀ مومنون: آیۀ ۱۶)

یعنی شما یقیناً در روز قیامت دوباره زنده گردانیده خواهید شد.

و اینکار برای الله تَبَارَكَ وَتَعَالیٰ بسیار آسان است:

﴿وَذٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيْرٌ﴾ (سورۀ تغابُن: آیۀ ۷)

یعنی دوباره زنده ساختن مردگان بر خداوند خیلی آسان است.

حساب:

و آنگاه انسان‌ها و جِنَّات را در میدان مَحْشَر ایستاده نموده حساب

اعمال دنیائی ایشان از آن‌ها گرفته می‌شود که چه اعمال نیک انجام داده‌اند و چه اعمال بد مرتکب شده‌اند و بعد از حساب اعمال است که ایشان یا مستحق بهشت می گردند و یا سزاوار دوزخ می‌شوند.

﴿إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ﴾ (سورۀ غافر: آیۀ ۱۷)

خداوند خیلی سریع حساب می گیرد.

بهشت:

قرآن کریم می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ * جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا﴾ (سورۀ بیّنه: آیۀ ۷ و ۸)

یعنی بی‌شک کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح کردند، بهترین خلایق هستند. جزای ایشان نزد خداوند ایشان بهشت‌های همیشگی است که جوی‌ها از زیر آن‌ها روان است و آن‌ها برای ابد در آن خواهند زیست.

بهشت جایگاه آرامش و آسایش و لذّات و زندگی جاودانی است، بیماری و پیری و ضعف در بهشت وجود ندارد و همه اهل بهشت تندرست و سالم و جوان و قوی خواهند بود. ایشان هرگز نخواهند مرد، بلکه برای همیشه و ابد در آرامش و راحت و نعمت‌ها و لذایذ و رضای الٰهی زندگی خواهند کرد. نعمت‌های بهشت غیر قابل شمارش است.

بهشت هم اکنون برای متقیان آماده و ساخته شده است.

﴿أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ﴾ (سورهٔ آل عمران: آیهٔ ۱۳۳)

یعنی بهشت همین حالا برای متقین آماده شده است.

دوزخ:

قرآن کریم می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا﴾ (سورهٔ بیّنه: آیهٔ ۶)

یعنی آن یهودیان و مسیحیان و مشرکانی که کفر ورزیدند در آتش دوزخ خواهند بود و برای ابد در آن خواهند زیست. آن‌ها بدترین خلائق می‌باشند.

دوزخ جایگاه دردها، رنج‌ها، غم‌ها، عذاب‌ها و شکنجه‌هاست. دوزخیان در آنجا در آتشِ سوزان سوختانده و در آب جوشان افکنده می‌شوند. غذای آنها زقوم و نوشیدنی آن‌ها آب جوش و چرک و ریم دوزخیان است. فرشتگان مُؤکَّل پیاپی دوزخیان را با گرزهای آهنین و آتشین می‌زنند و عذاب می‌دهند. دوزخ جایگاه صدها و هزارها نوع عذاب و شکنجهٔ دردناک و عذابگاه ابدی کافران و مشرکان است که برای آنها آماده ساخته شده است:

﴿أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ﴾ (سورهٔ آل عمران: آیهٔ ۱۳۱)

یعنی دوزخ برای کافران آماده شده است.

مسلمانان گناه‌کار نیز بخاطر سزای گناهان خود به دوزخ افکنده می‌شوند، اما پس از دیدن سزای گناهان خود از دوزخ بیرون آورده شده آنگاه به بهشت می‌روند.

وَآخِرُ دَعْوَانَا أَنِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ

چاپ اول

مُحَرَّم ۱۴۱۷هجری قمری مطابق جوزای ۱۳۷۵ هجری شمسی
مطابق ۱۹۹۶ میلادی

چاپ دوم

مُحَرَّم ۱۴۴۷ هجری قمری سرطان ۱۴۰۴ هجری شمسی
موافق جولای ۲۰۲۵ میلادی

چاپ سوم

صفر ۱۴۴۸ هجری قمری اسد ۱۴۰۵ هجری شمسی
موافق آگوست ۲۰۲۶ میلادی

درباره مولف

درباره مولّف

اسم:	محمد ابراهیم ولد محمد اعظم
	ولد محمد شفیع تیموری
تاریخ ولادت:	۱۴ سنبلهٔ ۱۳۴۸ شمسی مطابق ۱۳۸۹ قمری
محل ولادت:	جوی شیر، کابل، افغانستان
تحصیلات ابتدائی:	مکتب قاری عبد الله، کابل، افغانستان
ادامهٔ تحصیلات:	کالج دولتی کَرْنال، کَرْنال، هَرْیانا، هند (حیات شناسی)
	دانشگاه جامعهٔ ملیهٔ اسلامیه، دهلی نو، هند (زبان عربی)
علوم دینی:	دار العلوم دیوبند، هند
	مدرسهٔ رحیمیه، دهلی، هند (تا دورهٔ مشکات)
	مدرسهٔ امینیه، دهلی، هند (دورهٔ حدیث)
	مدرسهٔ امینیه، دهلی، هند (دورهٔ افتاء)

تالیفات و تراجم مؤلف

- عقائد ما
- مختصر عقائد
- عقائد اسلام
- عقائد اهل سنت و جماعت
- الفقهُ الأكبرُ للإمام الأعظم أَبي حنيفة ﷺ (متن)
- الفقهُ الأكبرُ (متن ـ ترجمه ـ شرح)
- شرح فقه اكبر (از مولانا بحر العلوم لكهنوى)
- الوَصِيَّةُ في التَّوْحِيْدِ للإمام الأعظم أَبي حنيفة ﷺ (متن)
- الوَصِيَّةُ في التَّوْحِيْدِ (متن ـ ترجمه ـ شرح)
- (متن كامل) العقيدة الطحاوية (أى عقيدة الإمام الأعظم أَبي حنيفة ﷺ) تهيه شده از روى تقريباً ۳۵ نسخهٔ قلمى و ۱۵ نسخهٔ چاپى
- عقيدهٔ طحاوى (ترجمه و شرح مختصر ـ فارسى)
- ترجمهٔ عقيدهٔ طحاوى به انگليسى The Creed of Imam Tahawi
- عقيدهٔ طحاوى (به سه زبان: عربى ـ فارسى ـ انگليسى)

- ثمرة العقائد
- اعتقاد نامهٔ جامی
- ایمان کامل (از علامه فرهاری صاحب نبراس)
- المعتمد مِن المعتقد (از امام کاسانی صاحب بدائع و صنائع)
- اسلام چیست
- چگونه حج کنید
- زیورهای بهشتی (حصهٔ اول، دوم، سوم، چهارم و پنجم)
- گوهرهای بهشتی
- زیورهای بهشتی (کامل در دو جلد)
- زیورهای بهشتی (دورهٔ کامل یك جلدی)
- نماز اهل السنت و الجماعت
- ترجمهٔ نماز اهل السنت و الجماعت به انگلیسی

Salah of Ahlu-Sunnah wal-Jama'ah

- بیائید نماز بخوانیم چنانکه رسول الله ﷺ نماز می خواندند
- اصول التجوید
- خیر الأُصول فی حدیث الرسول
- رسالهٔ اصول حدیث (منظوم)
- قوائدی در علوم حدیث
- بنیادهای دین و ضرورت تقلید
- دعوت دین و حفاظت مسلک

❁ فرق بین حدیث و سنت

❁ سَلَفی اصلی و سَلَفی امروزی

❁ مثنوی تحفۀ روشنفکر (سیکولر)

❁ **چهل حدیث:** چرا در داخل نماز رفع یَدَیْن نمی‌کنیم

❁ **چهل حدیث:** رفع یَدَیْن در داخل نماز منسوخ است

❁ رفعُ الیَدَیْن جز در آغاز نماز در هیچ جای دیگر نمازهای پنجگانه مسنون نه بلکه متروک است

❁ چرا در داخل نماز رفع یَدَیْن نمی‌کنیم (مجموعۀ ۳۴۰ حدیث)

❁ پیامبر اعظم ﷺ، صدیق اعظم ؓ و فاروق اعظم ؓ رفع یَدَیْن نمی‌کردند

❁ **چهل حدیث:** امیرالمؤمنین حضرت عمر بن الخطاب ؓ رفع یَدَیْن نمی‌کرد

❁ **چهل حدیث:** امیرالمؤمنین حضرت علی مرتضیٰ ؓ رفع یَدَیْن نمی‌کرد

❁ **چهل حدیث:** حضرت عبد الله بن عمر ؓ و مسئلۀ رفع یَدَیْن

❁ صحبتی با یک برادر سَلَفی بر مسئلۀ رفع یَدَین

❁ صحبت یک شیخ سَلَفی با یک عالم حنفی دربارۀ رفع یَدَین

❁ **مسئلۀ رفع یَدَیْن:** و یاران امیر المؤمنین حضرت علی مرتضی ؓ و یاران حضرت عبد الله بن مسعود ؓ

❁ **چهل حدیث:** دربارۀ ایمان و اخلاق و اعمال ...

❁ **چهل حدیث:** اربعین جامی رحمه‌الله (ترجمه و تخریج احادیث)

❁ **چهل حدیث:** شهروندی

❁ مذهب حنفی مبتنی بر احتیاط است

❁ **چهل حدیث:** دلائل نُه مسائل نماز

نماز تراویح: بین اهل سنت و جماعت و اهل بدعت

❁ اجماع صحابه و تابعین و مجتهدین اسلام برآنکه حد اقل نماز تروایح بیست رکعت است

❁ چرا بیست رکعت تراویح؟

❁ ۴۴ دلائل ۲۰ رکعت تراویح

❁ برادران سَلَفی! بیائید تراویح خود را ثابت کنید

❁ **تراویح:** استدلال‌های غلط برادران فرقهٔ سَلَفی

❁ **تراویح:** ده چیلنج خدمت برادران فرقهٔ سَلَفی

❁ تصانیف و تألیفات امام اعظم ابوحنیفه رضی‌الله‌عنه

❁ تألیفات الإمام الأعظم أبي حنيفة رضی‌الله‌عنه (عربی، ناچاپ)

❁ فضائل و مسائل ماه مُحَرَّم

❁ اثبات دعای قنوت احناف

❁ امام اعظم ابوحنیفه رضی‌الله‌عنه و فقه شریف حنفی

❁ شیخ آلبانی و علم حدیث

❁ فتوای دار العلوم دیوبند در مورد داکتر ذاکر نایک

❁ لمس قرآن بدون وضو جایز نیست

- دست‌ها در آغاز نماز تا کجا بلند شود؟
- محل بستن دست‌ها در نماز
- در نماز بستن دست‌ها در زیر ناف سنت است
- دست‌ها در نماز کجا بسته شود؟
- عدم جواز قرائت قرآن در پشت امام ولو سورهٔ فاتحه
- قرائت مقتدی در پشت سر امام ممنوع است
- گفتن آمین با صدای آهسته و خُفیه در نماز سنت است
- آمین در نماز با صدای آهسته گفته می‌شود
- روش مسنون نشستن در وقت تشهُّد
- نماز وتر واجب و سه رکعت با یک سلام است
- نماز وتر سه رکعت با یك سلام است
- جمع دو نماز در یک وقت جایز نیست
- خواندن سورهٔ فاتحه در نماز جنازه
- زنان به اجماع اُمت در بسیاری از مسائل نماز با مردان تفاوت دارند
- نماز زنان با نماز مردان تفاوت دارد
- مسح بر جوراب‌های نازک امروزی جایز نیست
- هنگام خطبهٔ امام، خواندن نماز یا سخن‌گفتن با کسی مکروه تحریمی و ممنوع است
- د اهل سنت والجماعت لمانځه

- د اهل سنت والجماعت عقائد
- راځي چې لمونځ وکړو څه رنګه چې رسول الله ﷺ ادا کولو
- څلویښت احادیث د نه مسائلو دلایل
- ولې شل رکعته تراویح
- پیامبر اعظم ﷺ، صدیق اعظم رضی الله عنه او فاروق اعظم رضی الله عنه رفع یَدَیْن نکول
- څلویښت احادیث چې حضرت عمر رضی الله عنه رفع یدین نکول
- د عبد الله بن عمر رضی الله عنه څلوېښت احادیث او د رفع یدینو مسئله

نشانی ما

شمارهٔ تلفون/تلگرام/واتس اپ:

۰۰۴۴۷۷۷۶۰۰۳۱۳۷

Email:

miteymori@gmail.com